

## مهربان با خودی، نامهربان با غیر خودی؟!

به نظر شما آیا این فضیلتی است که کسی با خودی‌ها، یعنی همفکران و هم‌کیشان خود ملایم و مهربان، ولی در برابر دگر اندیشان سخت‌گیر و نامهربان باشد؟

اگر نه، پس چرا قرآن در وصف پیامبر و یارانش گفته است:

محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم (سوره فتح آیه آخر)

اکثر مترجمین قرآن آیه فوق را چنین ترجمه کرده اند:

"محمد فرستاده خدا و کسانی که با اویند، بر کافران سخت‌گیر و با خودهایشان مهربانند."

به راستی فراز فوق درصدد آموزش چه مدل رفتاری از رسول خداست که ما از آن غافل هستیم؟ متوسط آدمیان کم و بیش همینطور هستند و اصلاً طبیعت آدمی چنین است که به تبع تمایلات نفسانی و تعصبات گروهی، اهل حب و بغض باشد. پس این چه تفاوت و تمایزی است که خداوند برای پیامبر و پیروانش قائل شده است؟ آیا می‌خواهد آتش دشمنی و کینه با کافران و مهر با مؤمنان را دامن بزند؟ در این صورت چه پاسخی خواهیم داشت برای مخالفین اسلام که می‌گویند خدای اسلام خدای خشم و خشونت با غیر خودی‌هاست و در ذات قرآن تساهل و تسامح با غیر مؤمنین به طور ریشه‌ای، با امثال این آیات، مردود شناخته شده است!

اصلاً در دنیای امروز که حقوق بشر و آزادی عقیده و تحمل دگراندیش تبلیغ می‌شود، چه کسی خریدار "قهر" با غیر خودی، و "مهر" با خودی می‌شود؟ از آن گذشته، آیات فراوانی در قرآن، به وضوح حسن معاشرت و نیک‌رفتاری با غیر خودی‌ها را توصیه می‌کند، پس چگونه می‌توان این تضاد را حل کرد؟

به نظر می‌رسد یک "بدفهمی" (سوء تفاهم) عمومی از آیه فوق، موجب این تناقض شده است. اصولاً در ترجمه و برگردان واژه‌ها از هر زبانی به زبان دیگر، چنین سوء برداشت‌ها و انحرافات کاملاً امکان‌پذیر است که در ترجمه‌های قرآن نیز به طور طبیعی می‌توان نمونه‌های فراوانی را مشاهده کرد.

در مورد آیه فوق، یعنی توصیف: **"اشدء علی الکفار رحماء بینهم"** باید توجه داشت که دو کلمه **"اشدء"** و **"رحماء"** بر خلاف تصور عمومی، اصلاً متضاد یکدیگر نیستند که بتوان از آنها "قهر و مهر"

یا "نامهربانی و مهربانی" را دریافت کرد! و گرنه باید در برابر وصف: "رحماء"، صفات: بغض و عناد و عداوت را به کار می برد!

"اشداء" جمع "شدید" است، این کلمه در زبان عربی مفهوم استحکام و قدرت دارد و مخالف سستی و ضعف است. قرآن صفت شدید را برای آهن به دلیل محکم و سخت (۱) بودن و برای سن بلوغ به دلیل نیرومندی جسمی و عقلی (۲) به کار برده است، همین طور سفت و محکم کردن بند و بست (۳)، اقتدار حکومت (۴) و موارد مشابه بسیار.

با توجه به موارد کاربرد این کلمه در قرآن (۵)، می توان فهمید که منظور از جمله: "اشداء علی الکفار"، که در وصف پیامبر و همراهانش آمده است، نفی سستی و زبونی و ترس و تسلیم و اثبات قدرت دفاعی و عزت نفس آنان می باشد که همچون سدی پولادین در برابر تجاوزات بیگانگان مقاومت می کردند.

می دانیم مقاوم و محکم بودن در برابر دشمن و راه نفوذ و تسلط آنان را بستن که امری "دفاعی" و معقول و مشروع است و با هیچ معیار حقوق بشری و آزادی خواهی و پلورالیستی هم مغایرت ندارد، به کلی با سخت گیری و برخورد خشن با کافران که در ترجمه های معمول مشاهده می شود، مغایرت دارد. اولی فقط در میدان جنگ و در برابر تجاوز عملی کافران تحقق می یابد و دومی در مناسبات عادی زندگی و برخوردهای اعتقادی هم ظهور و بروز پیدا می کند.

پیامبر و پیروانش، آنچنان که تاریخ گواهی می دهد، از همان آغاز، به خاطر دفاع از آزادی و حق انتخاب آرمان (ترک بت پرستی و توجه به توحید) بسیار مصمم و جدی بودند و با جان و مال از موجودیت خود، خانواده و خواهران و برادران ایمانی خود در برابر کسانی که این حقوق و ارزش ها را انکار می کردند (معنای کفر)، دفاع می کردند. این است معنای "اشداء علی الکفار".

مثالی که از دنیای گیاهان با تشبیه نهال نو برآمده، به نوباوران این نهضت توحیدی، در دنباله آیه آورده است، به وضوح بیشتری نشان می دهد که "اشداء علی الکفار" بودن، استقلال، خود کفائی و عزت نفس است، یعنی ایستادگی در برابر طوفان های تجاوزگران. نگاه کنید:

".... وصف چنین انسانهایی در تورات و انجیل (۶) هم آمده است؛ همچون دانه ای که جوانه خویش از زمین برآورده، بالنده و برومندش کرده تا ستر و سخت گشته و بر ساقه خویش استوار ایستاده است، به گونه ای که باغبان را به شگفتی آورده است...".

آیا بر ساق خویش استوار ایستادن، سربار دیگران و بالارونده از دوش آنان نبودن و نشکستن و خم نشدن در برابر طوفان‌ها، گناه است؟

در دنیای گیاهان نیز اصل تنازع بقاء، توسعه‌طلبی، تجاوز به حریم مجاور و تمامیت خواهی وجود دارد. جوانه‌ای که می‌خواهد باقی بماند، باید از سایه دیگران سر بلند کند، سستبر و قوی شود تا در پرتو نور خورشید قد بکشد.

اما مفهوم "رحماء بینهم" (مهربان میان خویش) حسن همجواری با دیگران و تحمل تنوع و تفاوت‌های ساختاری در طبیعت و دلسوزی و دردمندی با کسانی است که با هم در یک باغ رشد می‌کنیم.

---

(۱) سوره حدید آیه ۲۵

(۲) این تعبیر ۶ بار در قرآن به کار رفته است از جمله مؤمن ۶۷

(۳) محمد ۴

(۴) سوره ص ۳۸

(۵) مشتقات کلمه شدد جمعاً ۱۰۳ بار در قرآن با مصادیق مختلف به کار رفته است.

(۶) از جمله به انجیل مُرقس باب ۴ بند ۲۶ می‌توان مراجعه کرد.